

تشبيه و تنزيه 2



تشبیه و تنزیه 2

در قسمت اول این مقاله، تشبیه و تنزیه در لغت، تشبیه در اصطلاح کلام، تشبیه، در تورات، انجیل و قرآن، پیدایش تشبیه و مشبهه در اسلام، اشاعره و تشبیه، وهابیت و تشبیه سخن به میان آمد، در ادامه آن، در این مقاله علل و عوامل گرایش به تشبیه و تجسیم بررسی می شود.

علل گرایش به تشبیه

از دیدگاه امامیه علل گرایش به تشبیه را می توان در موارد زیر بررسی کرد:

1. اخبار جعلی:

اخبار ساختگی و جعلیات الحادی برگرفته به ظاهر از مذاهب یهود و نصاری در این خصوص تاثیر به سزا داشت به ویژه که تشبیه بر افکار و اندیشه های یهود چیره بود. به گفته ی شهرستانی اکثر جعلیات به عنوان حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از یهود اخذ شده و نمونه ی از آنها این است که گفته اند: فرشته ها از موی سینه و ساعد خدا آفریده شده اند. (1)

2. عدم دقت در سند خبر:

این امر ضربه جبران ناپذیری به اعتقادات مسلمانان وارد ساخت، از میان صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم «ابوهریره»، «انس بن مالک» و «معاویه» از «کعب الاحبار» یهودی روایت های دروغین بی شماری نقل کردند. به گفته ی «ابو ربه»: «کعب الاحبار با دسیسه و شیطنت، دروغها، اوهام و خرافاتی در دین وارد کرد که چهره ی تفسیر، حدیث و تاریخ را کریه ساخت، در این میان، امام علی علیه السلام فرمود: کعب دروغگو است، و عمر ابوهریره را از نقل خبر ممنوع و به تبعید تهدید کرد. و از دیگر دروغ پردازان حدیث، یکی «وهب بن منبه» و دیگری «تمیم بن اوس داری» که از نصارای یمن بود. تمیم در جنگ تبوک (سال 9ه) ظاهرا به اسلام گروید و نخستین کسی بود که «مسیحیات» را وارد اسلام کرد، از میان این گروه، هم چنین می توان از «ابن جریج» رومی (م/150ه) نام برد. او می گفت: حضرت مسیح علیه السلام جنب خدا بر روی عرش نشسته و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم یازده مرتبه خدا را دیده است، این گروه به اندازه ای حدیث جعل کردند که تعداد آنها به صدها هزار می رسد، چنان که احمد حنبل (امام حنبلیان) گفت: من احادیث کتاب «مسند» را از میان هفتصد و پنجاه هزار (750000) حدیث برگزیدم. (2)

با این همه دقت، می بینیم کتاب «السنة» تالیف عبد الله پسر احمد حنبل که برگرفته از کتاب پدر است دارای تشبیهاتی از این گونه است:

خدا در روز قیامت دیده می شود؛ خدا می خندد؛ او وقتی سخن می گوید صدایش را اهل آسمانها می شنوند؛ وقتی بر کرسی می نشیند صدای ناله ی کرسی بلند می شود؛ او هر شب به آسمان دنیا پایین می آید؛ خداوند دارای انگشت، دست، پا، سینه و ذراع است و آدم را به صورت خود آفرید. (3)

از این رو مذهب حنابله شدیداً آغشته به تشبیه و تجسیم است، و حتی شعرای آنان در این

باره اشعاری سروده اند که از جمله ی آنهاست:

فان كان تجسيما ثبوت استوائه
على عرشه انى اذا لمجسم
و ان كان تشبيها ثبوت صفاته
فمن ذلك التشبيه لا اتكتم
و ان كان تنزيها جود استوائه
و اوصافه او كونه يتكلم
فمن ذلك التنزيه نزهت ربنا
بتوفيقه والله اعلى واعظم (4)

یعنی؛ اگر اعتقاد به تجسیم عبارت از ثبوت استوا و قرار گرفتن خدا بر عرش باشد من به تجسیم معتقدم؛ و اگر تشبیه عبارت از ثبوت صفات خدا باشد من این تشبیه را پنهان نمی دارم؛ و اگر تنزیه عبارت باشد از انکار استوا و اوصاف و تکلم خدا، من پروردگاران را به توفیق او از این تنزیه منزّه دانسته که خدا برتر و بزرگتر است.

3. عدم کتابت حدیث:

برخی از اندیشمندان اسلامی منع کتابت حدیث از سوی خلفا را عاملی در جهت گرایش تشبیه برشمردند. ممنوعیت نوشتن حدیث تا زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز (100ه) در دستور کار خلفا و زمامداران بنی امیه قرار داشت، و برخی سال 120 هجری را سال آغاز تدوین حدیث دانسته اند، و برخی تا اواخر عهد بنی امیه زمان منع نگارش حدیث را نگاشته اند، ولی شیعه معتقد است نخستین کسی که به نگارش حدیث پرداخت، ابو رافع غلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود و برخی گفته اند نخستین کس امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام بوده است. (5)

4. عدم دقت در قرآن:

قرآن این حقیقت را بازگو می کند که سرتاسر آن به منزله ی یک کلمه است و اگر از غیر خدا صادر گشته بود در آن اختلاف فراوان می یافتند (نساء/82) بر این پایه می بینیم آیات فراوانی خداوند را از تشبیه و جسمیت منزّه دانسته است. سوره ی اخلاص در بردارنده ی معارف بی شماری از جمله نفی ترکیب، نیاز، جهت، حیز، جوهریت و جسمیت است و مفهوم آیه «لیس کمثله شیء» (شوری/11) می گوید: اگر خداوند دارای جسم باشد که مثل و ماندی بر او متصور خواهد بود، همچنین آیه «انتم الفقراء الی الله والله هو الغنی الحمید» (محمد/38) و سایر آیاتی که در زمینه تنزیه حق تعالی وجود دارد.

مشبیه، همه ی آیات را نادیده گرفته و در مقام تفسیر و تاویل نابجا برآمده و به خود حق دادند طبق هواهای نفسانی و عقول کوتاه خود آن گونه که خواهند آنها را تاویل کنند. (6)

شایان ذکر است که کتب و صحیفه های آسمانی به زبان محاوره ای مردم و در محدوده ی فهم آنان نازل شده است. پیامبران نیز که وظیفه ی تبلیغ فرمان خدا را برعهده دارند و بار سنگین رسالت را بردوش می کشند از میان همین مردم برگزیده و به زبان آنان انجام وظیفه کرده اند: «و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم» (ابراهیم/4) و بدیهی است که در زبان مردم، تمثیل و تشبیه، نقش عمده ایفا می کنند، و در جای خود ثابت است که تشبیه یکی از فنون بلاغت و زیباسازی سخن است، در این فن، محسوس به جای معقول قرار می گیرد تا در نفوس و قلوب تاثیر بهتری داشته باشد، همان گونه که کنایه و استعاره نیز از جایگاهی ویژه برخوردارند و قرآن از همه ی این زیبایی ها بهره گرفته و سود جسته است. (7)

به نوشته ی «وجدی»، مشبیه را چیزی به این مذهب نکشید جز جمود آنان بر ظواهر الفاظ و مجازات قرآن، اگر در قرآن می خوانیم «ید الله فوق ایدیهم» در این آیه «ید» به معنای قدرت به کار گرفته شده است، تشبیه یکی از فنون بلاغت عربیت است مانند مجاز و کنایه. (8)

دیدگاه امامیه

در مکتب امامیه که خاستگاه آن سخنان پیامبر و اهل بیت اوست هم تعطیل و نفی صفات، ناقص است و هم تشبیه محکوم است، و اگر آیات تنزیه در کنار آیات تشبیه قرار گیرد و از کلمات اهل بیت کسب نور شود کسی در این گرداب دچار تحیر نخواهد گشت امیر توحید پیشگان علی بن ابی طالب علیه السلام فرموده است: کسی که تو را به چیزی از آفریده هایت تشبیه سازد، با عضوهای جدا از هم و مفصل های پیوسته، ضمیر پنهانش از معرفت و شناخت تو بی خبر است، و قلبش یقین به بی همتایی تو را حس نکرده است (9) شبیه بودن آفریده ها به همدیگر در بسیاری چیزها نشان می دهد که ماندی برای او نیست و حسها نتوانند او را شناخت (10) یعنی مشاعر و حواس مادی انسان مانند چشم و دست، و مشاعر معنوی او مانند عقل نمی توانند حق تعالی را لمس و مس کنند، تنها عقل به وسیله آفریده ها و آثارش می تواند او را بشناسد. (11)

علی علیه السلام وقتی می فرماید: خدای ندیده را نپرستیدم فوراً با توجه به مقام تنزیه می افزاید: چشمها نتوانند او را به وسیله ی مشاهده بنگرند «ولکن راته القلوب بحقائق الایمان... لا یشبه بالناس»؛ بلکه دل ها به حقیقت ایمان می توانند او را دید. .. او مانند مردم نیست. (12) امام سجاد علیه السلام در صحیفه ی مبارکه سجادیه، زبور آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم که دریای ژرف و بی کرانه ای از معارف ناب را در خود جای داده، هنگام تنزیه و نفی تجسیم و تشبیه می فرماید:

چشم ها از دیدن او کوتاه و کمتر از آن است که بتوانند او را دید: «الحمد لله الذی قصر عن رؤیته ابصار الناظرین» (13) منزهی تو، ای کسی که به کمک حواس درک نخواهی شد، درباره ی تو نمی توان تجسس کرد، به وسیله اعضا و جوارح قابل مس نیستی، کسی نمی تواند تو را فریب دهد، و نمی تواند با تو به منازعه برخیزد که تو جدال بردار نیستی: «سبحانک لا تحس ولا تجس ولا تمس ولا تکاد و لاتماط (14)؛ مضت علی ارادتک الاشیاء فهی بمشیتک دون قولک مؤتمرة و بارادتک دون نهیک منزجرة». (15)

امام صادق علیه السلام و ترسیم مذهب حق

امام صادق علیه السلام در مقام رد تشبیه و ترسیم چهره ی مذهب حق می فرماید: مذهب صحیح در توحید همان است که در قرآن آمده است. قرآن صفاتی را برای خداوند اثبات کرده و نفی آنها از او دور است، تشبیه باطل و خداوند ثابت و موجود است «ان المذهب الصحیح فی التوحید ما نزل به القرآن من صفات الله عز وجل، فانف عن الله البطلان و التشبیه فلا نفی ولا تشبیه، هو الله الثابت الموجود». (16) و در مقام توضیح می فرماید: خداوند جسم نیست، صورت نیست، حس نمی کنند، حس نمی شود، با حواس به احساس نمی آید، عقول نمی توانند او را درک کنند دهرها از او نمی کاهد، زمان، او را تغییر نمی دهد، او بدون عضو بصیر و سمیع است، بلکه با ذات خود می بیند و می شنود (17) اما آن صورتی که آدم را بر طبق آن آفرید صورتی بود که احداث کرد و آفرید و به خود نسبت داد مانند نسبت دادن کعبه و روح به خود: بیتی « (بقره/125) و «روحی» (حجر/29). (17)

سایر امامان معصوم علیهم السلام بر همین سبک و سیاق روایات زیادی با تعابیر گوناگون ابراز داشته اند از جمله امام رضا، و حضرت جواد الائمه علیهما السلام که ما در بخش منابع به برخی

از آنها اشاره خواهیم داشت. (18)

پی نوشت ها

1. رازی، اعتقادات فرق مسلمین، صص 97 و 127، نشر کلیات ازهر، 1398ه/1978م؛ ابن مرتضی، احمد بن یحیی معتزلی، القلائد فی تصحیح العقائد، ص 46، دار شرق بیروت، 1985م؛ محمد بن عبد الکریم شهرستانی، ملل و نحل: 1/106 و 173، تحقیق سید کیلانی، بیروت 1403ه/1982م.
2. مود ابو ریه، اضاء علی السنة المحمدیة، ط 2، صور لبنان، 1383ه/1964، ص 156 و بعد.
3. الله بن احمد حنبل، السنة، تحقیق زغلول، ط 1، صص 54، 56، 67، 77، 79، 80، 179، 190، 191 و 215، دار الکتب العلمیة، بیروت، 1405ه/1985م.
4. دی جار الله، المعتزله، ص 260، ط 6، مؤسسة العربیة للدراسات و النشر، بیروت، 1410ه/1990م.
5. و ریه، همان جا، صص 208، 211 و 222.
6. ن امین، دایرة المعارف اسلامی شیعه: 5/317، ط 1، دار التعارف بیروت، 1410ه/1990م.
7. مد بن محمد، مفید، تصحیح الاعتقاد، ص 35؛ مصنفات شیخ مفید: 5/33، ط 1، نشرکنگره هزاره مفید 1413ه.
8. مد فرید وجدی، دایرة المعارف، ط 4، (ذیل مشبهه): 5/363.
9. 10. 11. لبلاغه، فیض الاسلام، خ 90 و 152؛ محمد جواد مغنیه، فی ظلال نهج البلاغه، خ 150.
12. د بن یعقوب کلینی، اصول کافی: 1/97، 98 و 138، ط 4، تصحیح غفاری، بیروت، 1401ه.
13. 14. 15. سجادیه، نیایش های: 7، 14، 47.
16. ل کافی، همان: 1/83، 109 و 110؛ محمد بن علی بن بابویه، التوحید، ص 102 و بعد، تصحیح سید هاشم حسینی، نشر جامعه مدرسین قم، 1398ه/1357ش.
17. 18. توحید صدوق، باب نفی التشبیه، صص 35، 40، 47، 52، 61، 69، 76، 81 و 103؛ اصول کافی، همان: 1/11 و 132.

منابع:

کلام اسلامی 1376 شماره 21